

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون

حسن رضایی هفتادار* / محمدعلی مهدوی‌راد** / علی فدایی***

چکیده

جهاد در اسلام دارای ابعاد گوناگونی است که می‌توان همگی را زیر عنوان تلاش در راه خدا جمع نمود. در این میان، تنها در مسئله جنگ، سوءبرداشت‌های فراوانی ایجاد شده که موجب بروز حمله‌های فراوانی نسبت به اسلام گشته و از آنجایی که در سال‌های اخیر افزایش تنش در مناطق اسلامی، عاملی برای رشد پدیده اسلام‌هراسی شده، ضروری است تا با تبیین حقیقت جهاد، موضع حقیقی دین را آشکار کرد. مبانی جنگ، به‌خوبی در آیات قرآن بیان شده و علامه جوادی آملی ابعاد آن را از طریق تفسیری جامع از آیات جهاد روشن ساخته است. در جانب مقابل، فایرستون، خاورپژوه معاصر، دیدگاه اسلامی در مسئله جهاد را به چالش نقد کشانده است. تقابل این دو دیدگاه، راه مناسبی است تا افزون بر تبیین ماهیت جهاد در قرآن، شبهات مربوطه نیز پاسخ داده شود. از دیدگاه علامه جوادی آملی بر اساس آیات قرآن، جهاد همواره روح دفاعی دارد و هدفش یاری دین در برابر فتنه دشمن و حذف مانع از سر راه فطرت الهی بشر است، اما از دیدگاه فایرستون، جهاد، نماد جنگ‌محوری و سلطه‌طلبی اسلام است که این نگاه ناشی از فقدان نگاه انسجامی جامع نسبت به آیات جهاد است.

واژگان کلیدی

آیات جهاد، علامه جوادی آملی، فایرستون، اسلام‌هراسی.

hrezaii@ut.ac.ir
mahdavidrad@ut.ac.ir
fadaei64@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۴

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل).
**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.
***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۸

طرح مسئله

موضوع جنگ و خشونت در اسلام، از دیرباز مورد جنجال مخالفان اسلام بوده است؛ به ویژه در دهه‌های اخیر که با مدیریت و پشتیبانی استعمارگران غربی، گروه‌های تروریستی همچون: طالبان، القاعده و داعش بروز یافته‌اند و بهانه مناسبی برای اتهام خشونت‌گرایی مسلمانان و اسلام‌هراسی فراهم آمده است. از سوی دیگر، خاورپژوهان از گذشته تاکنون، توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته‌اند. برخی از آنان، با برخورد گزینشی با منابع اسلامی و ضعف تحلیل، تمام تلاش خود را برای اثبات نهادینگی خشونت و جنگ طلبی در اسلام به کار بسته‌اند. (زمانی، ۱۳۹۶: ۴۲۵؛ آغازی، ۱۳۹۱: ۱۳۹ - ۸۱) تلاش‌های علمی این عده را می‌توان مکملی برای کوشش‌های عملی مخالفان اسلام در تخریب چهره اسلام دانست.

رووین فایرستون^۱ متولد سال ۱۹۵۲ کالیفرنیا، یکی از خاورپژوهان صاحب‌نظر در این زمینه به‌شمار می‌آید. او یک خاخام یهودی و استاد مدرسه عالی هیبرو یونین^۲ و رئیس پیشین انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی است. وی متخصص در پژوهش‌های مرتبط با اسلام و یهودیت است و هشت عنوان کتاب و بیش از صد مقاله در مجله‌ها و مراجع معتبر علمی دنیا همچون دائرةالمعارف قرآنی لیدن دارد. او سابقه فعالیت‌های مختلف آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های کشورهای مختلف آسیا، اروپا و امریکا داشته و آثارش تاکنون به ده زبان ترجمه شده است. (Hebrew Union College-Jewish Institute Of Religion)

قرآن به‌عنوان کتابی هدایت‌گر و وحیانی، اصول جنگ و صلح در اسلام را بیان می‌کند، ولی برای دریافت این اصول، پیمودن دو مرحله ضروری است: یکم، درک دیدگاه جامع‌نگر قرآن با مراجعه به آراء مفسران برجسته همچون علامه جوادی آملی که آیات را با همین دیدگاه، تفسیر نموده‌اند؛ زیرا خطاهای فاحشی که در تلقی از آیات جهاد در مقوله جنگ و صلح می‌شود، بر اثر تجزیه‌نگری است. دوم، بازنگری آراء برخی از قرآن‌پژوهان و منتقدان مطرح همچون فایرستون است که نگاهی متفاوت به جنگ در اسلام دارد و حقیقت را در این تقابل می‌توان شناخت.

پیشینه پژوهش

در کنار آثار فراوانی که در موضوع کلی جهاد به چاپ رسیده، آثاری نیز در بررسی و نقد آراء خاورپژوهان، نوشته شده که برخی به‌صورت کلی، به اهم دیدگاه‌های آنان در موضوع پرداخته‌اند، (مانند کتاب جهاد و میاهوی خاورشناسان، نوشته عبدالرحمن آغازی یا مقاله «نقدی بر دیدگاه مستشرقان درباره نقش جهاد در گسترش اسلام»، نگاشته حسین عبدالحمیدی. پژوهش برخی، متمرکز بر چند تن از آنان است که بخش

1. Reuven Firestone.
2. Hebrew Union.

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۴۳

اندکی را نیز به دیدگاه‌های فایرستون اختصاص داده‌اند، (مانند مقاله «شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال و اجوبتها القرآنیة»، نوشته کاظم قاضی‌زاده و دیگران و مقاله «نقد آراء مستشرقان پیرامون جهاد»، نگاشته سعید نمازی‌زادگان).

از آنجاکه محوریت مباحث مقاله پیش‌رو، بر دیدگاه علامه جوادی آملی در حوزه جهاد و نقد دیدگاه فایرستون است، تنها اثری که به‌صورت مستقیم با این پژوهش در ارتباط است، مقاله «نقد آراء فایرستون درباره آیات جهاد»، نوشته حسن رضایی‌هفتاد است که وجه تمایز آن از نوشته حاضر، در آن است که در این پژوهش، دیدگاه فایرستون به‌صورت انحصاری بررسی و نقد نمی‌شود، بلکه هدف اصلی بحث، استخراج و تبیین دیدگاه علامه جوادی آملی است و پاسخ اشکال‌های فایرستون نیز از طریق تقابل با آراء وی داده خواهد شد.

همچنین آراء علامه جوادی آملی در مقوله جهاد، در آثار متعدد وی همچون: تفسیر تسنیم، روابط بین‌الملل در اسلام، حماسه و عرفان، کوثر کربلا و شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی آمده و هیچ اثر مستقلی در بررسی این آراء وجود ندارد که همین امر می‌تواند وجه امتیاز این پژوهش باشد.

بیان مسئله

کلمه «جَهْد» در لغت، به‌معنای مشقت و فعل «جَهَدَ» به‌معنای جدیت به خرج دادن در کاری است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۶۰) اصطلاح جهاد در ادبیات اسلامی، بر بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین اطلاق می‌شود. (نجفی، ۱۴۱۳: ۲۱ / ۳) دیدگاه رایج اندیشه‌وران مسلمان در مورد جهاد، تقسیم آن به دو قسم اصغر (جهاد با دشمن بیرونی) و اکبر (جهاد با نفس اماره) است، اما از دیدگاه علامه جوادی آملی، جهاد با نفس اماره، جهاد اوسط است و جهاد اکبر، نوع سومی است که یک طرف نزاع، عقل است و طرف دیگر، عشق و قلب شاهد غیب. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۹۴؛ نیز، ۱۳۷۸: ۱۱ / ۳۶)

جهاد اوسط، امری اخلاقی و قابل درک با فطرت عمومی بشر است و جهاد اکبر نیز امری دور از درک غالب افراد؛ از این‌رو، جنجال خاصی بر سر آنها به‌پا نشده، اما مخالفان اسلام، درباره جهاد اصغر، بحث‌های فراوانی در مقاله‌ها و کتاب‌های خود مطرح کرده‌اند (Lambton, 1970: 181 - 193; Kohlberg, 1976: 64 - 86; Firestone, 1999: 13 - 134) زیرا زمینه مناسبی را برای استفاده‌های سیاسی، فرهنگی و دینی علیه مسلمانان فراهم می‌کند.

آیات جهاد و در پرتو آن روایات، حدود جنگ و صلح را معین نموده و وظیفه مسلمانان را در هر گونه‌ای از شرایط، بیان داشته‌اند، ولی استخراج اصول کلی و ماهیت جهاد در اسلام، نیازمند تحقیق کامل

و از روی انصاف و تخصص است؛ زیرا قرآن، کتابی کلاسیک و دسته‌بندی شده نیست و آیات آن طبق موقعیت‌های مختلف مسلمانان نازل شده است؛ بنابراین باید آیات قرآن را همچون جورچین دید و تنها با کنار هم چیدن این قطعات تفسیر قرآن به قرآن می‌توان به دیدگاه حقیقی قرآن در مورد جنگ دست یافت. علامه جوادی‌آملی در آثار مختلفی به‌ویژه تفسیر تسنیم، ذیل آیات جهاد، با همان روش قرآن به قرآن، به تبیین ابعاد گوناگون مسئله جهاد از منظر اسلام پرداخته است. همچنین در طرف مقابل، فایرستون آیات جهاد را از دیدگاه خود به چالش نقد کشانده که آراء او در این زمینه را در آثار مرتبط وی با جهاد می‌توان یافت که عبارت‌اند از: دو مقاله، (19 - 1 / Id, 1997: 1 - 123; Firestone, 1996: 99 - 123) یک مدخل در دائرةالمعارف قرآنی لیدن (208-209 / 2 / Firestone, 2002) و به‌ویژه کتاب جهاد، خاستگاه جنگ مقدس در اسلام که حاوی مشروح دیدگاه‌های او است. انتشارات دانشگاه آکسفورد، این کتاب را در سال ۱۹۹۹ به چاپ رساند.

برای رسیدن به درک ماهیت جهاد، بحث را در دو محور اصلی از دیدگاه علامه جوادی‌آملی و فایرستون می‌توان بررسی کرد: ۱. عوامل و حدود جهاد؛ ۲. نقش جهاد در توسعه دین. در این پژوهش، ذیل هر محور، ابتدا به تبیین دیدگاه علامه جوادی‌آملی پرداخته می‌شود، سپس دیدگاه فایرستون بیان می‌شود و در نهایت دیدگاه فایرستون از طریق آراء علامه جوادی‌آملی نقد می‌گردد. تحقیق پیش‌رو، از نوع بنیادی است و به‌صورت کتابخانه‌ای انجام شده. اطلاعات، به‌صورت فیش‌برداری از آثار مکتوب علامه جوادی‌آملی و فایرستون جمع‌آوری شده و روش داده‌پردازی نیز به شیوه تحلیلی - انتقادی است.

عوامل و حدود جهاد

نخستین و مهم‌ترین محور بحث در تبیین ماهیت جهاد، بررسی عامل ایجاد جنگ و حد توقف و پایان آن از منظر اسلام است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود. چگونگی موضع‌گیری در این قسمت، در دو محور دیگر نیز مؤثر خواهد بود.

۱. دیدگاه علامه جوادی‌آملی: مقابله دفاعی با فتنه‌گری

طبق دیدگاه علامه جوادی‌آملی، آیات قرآن، حدود جنگ و صلح را آشکارا تعیین نموده‌اند؛ از جمله آیه ذیل؛

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.

(بقره / ۱۹۳)

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی‌آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۴۵

و با آنها پیکار کنید تا فتنه باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید؛ زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

این آیه، عامل و حد اصلی جهاد را بیان کرده؛ یعنی محور اصلی در شروع و پایان جنگ، ایجاد فتنه در برابر دین خداست و گرنه جنگی وجود نخواهد داشت. در معنای فتنه، اقوال مختلفی ذکر شده ولی در آثار ایشان، معنای عامی برای فتنه به عنوان عامل جهاد مطرح شده که می‌توان از آن تعبیر به «ایجاد مانع بر سر راه فطرت الهی بشر» کرد، به این بیان که؛ تنها مانع پذیرش دین الهی، خوی استکبار سران تعدی و طغیان است که نه خود می‌پذیرند و نه اجازه می‌دهند محرومان جامعه که تحت تسلط آنها هستند بپذیرند و می‌خواهند با فطرت انسان‌ها مخالفت کنند. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۱: ۱۸۷)

اگرچه در فقه، دو عنوان جهاد دفاعی و ابتدایی مطرح می‌شود، بازگشت جهاد ابتدایی نیز به دفاع است؛ یعنی تنها یک نوع جنگ در اسلام وجود دارد که عبارت است از جنگ دفاعی. تقسیم دوگانه پیش‌گفته، به جهت نوع تهاجم دشمن است؛ اگر بیگانه به مرز جغرافیایی اسلام حمله نظامی کرد، دفع حمله واجب می‌شود و اگر بر اثر تهاجم فرهنگی و تبلیغ سوء، بت‌پرستی و شرک را رواج داد و در نتیجه حق مسلم فطرت (که توحید ناب است) آسیب دید، باید برای احقاق این حق قیام کرد، اما روح این قیام، دفاع است هر چند ظاهر فقه، آن را جهاد ابتدایی می‌نامد. (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۲۵ - ۲۳) اهمیت ایستادن در برابر ظالم و دفاع از مظلوم در اسلام، به اندازه‌ای است که امام سجاده علیه السلام، از ترک آن به خدا پناه می‌برد. (صحیفه سجاده، ۱۳۸۴: دعای هشتم)

به این نکته نیز باید توجه کرد که جنگ در اسلام، گرچه مظهر قهر و غضب خدا است، ولی هرگز برای تشفی و ارضای غریزه غضب افراد نیست، بلکه این همان غلظت مأمور الهی است که در واقع، شدت و سرسختی در اطاعت خدا است. گرچه خدای متعال در بیان آثار جهاد، صحبت از «شفاء صدور» (توبه / ۱۴) به میان آورده است اما مطلب مذکور، هیچ تناقضی با این کلام الهی ندارد. علامه جوادی‌آملی در پاسخ به توهم این تناقض می‌نویسد:

شفای صدور مؤمنان، از آن‌رو که مؤمن هستند، غیر از تشفی دل و ارضای غریزه یک انسان با لحاظ شخصیت حقیقی است؛ تشفی خاطر مؤمنان به شخصیت حقوقی و ایمانی آنها باز می‌گردد و همان خشنودی برای پیروزی اسلام است، نه خرسندی برخاسته از کامیابی قوه شهوی و غضبی افراد. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۵ / ۵۳۸)

طبق آیه «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف / ۱۵۶) رحمت همه چیز را فراگرفته، همگان مشمول رحمت الهی هستند و طبق عقیده برگرفته از معصومان علیهم السلام که می‌فرمایند: «يَا مَنْ سَبَقَتْ

رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ» (کفعمی، ۱۴۰۵: ۲۴۹) رحمت، پیش‌ران غضب و مدیریت‌کننده آن است. بنابراین، رحمت خدا علاوه بر مظلوم، ظالم را نیز در برمی‌گیرد. پس جلوه رحمت در جنگ از دو جهت است: یکم، رحمت به مظلوم که مستضعف واقع شده و خداوند، مجاهد را به‌عنوان پزشکی حاذق برای نجات او می‌فرستد تا جامعه را از لوٹ مفسدان و فتنه‌گران که غده سرطانی هستند پاک کنند. دوم، رحمت به ظالم، به این وجه که اسلام زبان تبلیغ را بر زبانه تیغ مقدم می‌داند و به مسلمانان امر می‌کند پیش از گرفتن سلاح، قیام به صلاح نمایند و با موعظه و برهان و جدال احسن، در هدایت و اتمام حجت تلاش کنند. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۲۵۳) از دیدگاه علامه جوادی‌آملی، دفاع از مظلومان مستضعف در برابر ظالمان مستکبر، هدف اصلی جهاد است. وی در توصیف جنگ‌های صدر اسلام می‌نویسد:

جهاد پیامبر ﷺ با کافران، جنبه دفاعی داشته و حتی جنگ‌های به ظاهر ابتدایی آن حضرت نیز به دفاع برمی‌گردند؛ چون دفاع از مظلوم و دفع ستم ظالم، صورت‌هایی دارد: گاهی در برابر حمله دشمن است و زمانی قیام برای زنده کردن حق ستم‌دیدگان و جلوگیری از ستم ظالم است. این قیام در حقیقت، دفاعی از سوی مظلوم است. هرگاه فرد یا حکومت ستمگری، از رسیدن سخن دین به مردم مستضعف ستم‌دیده جلوگیری کند و مردم را از راه خدا بازدارد و مصداق «يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (اعراف / ۴۵) باشد، نظام اسلامی باید برای دفاع از حق مظلومان قیام کند و فرد یا حکومت ستم کار را سر جایش بنشانند.^۱ (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۴ / ۴۵۳)

بنابراین عامل اصلی جهاد فتنه‌انگیزی است. در دو آیه از قرآن با توصیف ویژگی فتنه‌گران، مراد از فتنه، بیان شده است؛ مورد نخست و جامع‌تر عبارت است از «مانع تراشی بر سر راه خدا»، که در آیه فوق به آن اشاره شد. مورد دیگر، که در آیه «وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ» (انعام / ۲۶) به آن اشاره شده، عبارت است از «نهی کردن دیگران و دوری کردن خود از راه حق» یعنی اسلام از طریق جهاد با کسانی که هم ناهی بودند و هم نائی، می‌جنگد تا از حق محرومان و مستضعفان دفاع کند؛ زیرا این طاغیان باغی، نمی‌گذاشتند ندای اسلام به مستضعفان برسد. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۴ / ۵۴۴)

با این توضیح، حدود جهاد نیز آشکار می‌شود؛ زیرا وقتی فتنه‌گری در برابر دین، عامل اصلی جنگ است، حد جنگ نیز منوط به رفع فتنه است (البته محدودیت‌های ثانویه نیز در نقد نظر فایرستون مطرح

۱. طبق مبنای پیش‌گفته، ایستادگی در برابر حکومت‌های مستکبر، یکی از رسالت‌های نظام اسلامی است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در تصریح به این موضع، بیان می‌کند: «هرجا به حضور ما برای مقابله با استکبار نیاز باشد، کمک خواهیم کرد.» (سخنرانی در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس محبان اهل‌بیت ﷺ، ۲ / ۹ / ۱۳۹۶)

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی‌آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۴۷

خواهد شد). پس اگر آنان که عقاید مخالف دارند، به فتنه‌گری و عداوت اقدام نکنند، امنیت و حقوق فردی آنان محترم است؛ چنان که اگر اهل کتاب و دیگر اقلیت‌های دینی، شئون دینی را حرمت نهند، می‌توانند درون کشورهای اسلامی نیز زندگی کنند و درگیری با آنان وجود ندارد، حتی آنان که به دشمنی با اسلام اقدام کرده‌اند، اگر از فتنه و دشمنی دست بردارند، جنگ با آنان نیز پایان می‌یابد.

نکته دیگری که در مورد ملاک پیش‌گفته باید بدان توجه داشت این است که از نگاه وی جهاد در تمام امت‌ها وجود داشته و هیچ دینی نیست که دفاع مقدس، جزء برنامه‌های آن نباشد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) و مبارزه تمام انبیاء با شرک، طبق همین ملاک بوده است به این بیان که:

انبیا با مردم عادی جنگ نداشتند، بلکه آنان را با حکمت، اندرز نیکو و استدلال و مناظره با بهترین روش، به راه خدا فرامی‌خواندند، (نحل / ۱۲۵) و مردم عادی اگر مزاحمی نداشته باشند، طعم شیرین تبلیغ رهبران الهی را می‌چشند و به یقین دعوت آنان را با فطرت الهی‌شان می‌پذیرند، اما سران کفر، با فتنه‌گری نمی‌گذاشتند سخن انبیا به گوش مردم برسد و با شست‌وشوی مغزی، آنان را تسلیم خود می‌کردند و به تعبیر قرآن: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ» (زخرف / ۵۴) با سبک و تهی‌مغز کردن مردم، آنان را به پیروی از خود وامی‌داشتند. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۲ / ۴۶۰ - ۴۵۹)

۲. دیدگاه فایرستون: مقابله غیرمشروط با مخالفان در عقیده

از دیدگاه فایرستون مقابله با مخالفان، عامل اصلی تشریح جنگ در اسلام است؛ یعنی هر چه مخالف دین مسلمانان است. همچنین به باور او، اسلام هیچ حدودمرزی برای جنگ با مخالفان وضع نکرده است. وی در مورد تشریح جهاد در اسلام، می‌نویسد:

قانون‌گذاری جنگ در چهار مرحله طبق قرآن انجام شد: عدم مقابله؛ مقابله دفاعی؛ جواز جهاد ابتدایی ولی با برخی محدودیت‌ها؛ فرمان غیرمشروط به جنگ با کافران. (Firestone, 1999: 51 - 60)

آنچه در آراء وی، تأکید فراوانی بر آن شده، این است که نگرش اسلام در مورد جهاد ثابت نبوده و روندی تصاعدی داشته است. او این پدیده را «تئوری تکاملی جنگ» می‌نامد، (Ibid: 50) یعنی در ابتدای ظهور اسلام، به‌علت شمار و توان اندک مسلمانان، قرآن به صبر و استقامت در برابر فشار مخالفان دستور داد، ولی کم‌کم با قدرت گرفتن مسلمانان به‌دلیل افزایش نفرات، آیات برخورد با مشرکان نازل شد، تا آنجا که قرآن دستور مطلق به کشتار مشرکان داد (Firestone, 1996: 115) و هرگونه حدودمرز زمانی و مکانی را برای حمله به مخالفان مسلمانان نفی کرد. (Ibid: 109)

فایرستون از آیات مختلف جهاد که در موقعیت‌های مختلف نازل شده، با عنوان یک سناریو یاد می‌کند و در وصف آن می‌نویسد:

این سناریو، تغییری نرم به جامعه اسلامی القا کرد که طی مراحل آن، رویکرد عمدتاً صلح‌طلب جامعه به یک رویکرد شدیداً نظامی تبدیل شد. (Firestone, 1997: 2)

از دیدگاه او، ایدئولوژی جهاد اسلامی، در نهایت به این نقطه رسید که هر کس هژمونی اسلام را نپذیرد، باید با او جنگید. (Firestone, 1999: 134)

با تأمل در این قسمت از کتاب *جهاد فایرستون* نظر وی درباره عوامل و حدود جهاد، کاملاً روشن خواهد شد:

درواقع تئوری تکاملی اسلامی در مورد جنگیدن، از ابتدا بر این فرضیه استوار بوده که جنگ با غیرمسلمانان باید کاملاً نامحدود باشد، حتی پیش از آنکه مسلمانان با جنگ مواجه شوند؛ زیرا این سیاست امپراتوری بوده که چنین نظریه‌ای در سایه آن به تکامل رسید. (Ibid: 51)

نقد دیدگاه فایرستون

فایرستون در کتاب *جهاد* تصریح نموده که برای یافتن پاسخ پرسش‌ها در مورد مقوله جهاد، از منابع اسلامی از جمله قرآن استفاده می‌کند؛ (Ibid: 6) درحالی که این منابع، به‌ویژه قرآن که در این پژوهش مورد نظر است، ادعای او در مورد عامل و حد جنگ را تأیید نمی‌کند.

یک. عامل جهاد

حاصل آراء فایرستون، این است که او مقابله با عقاید مخالف مسلمانان را عامل اصلی جهاد می‌داند، حال آنکه قرآن، عامل مقتضی جهاد (که تعیین‌کننده نقطه شروع و پایان جنگ است) را فتنه در برابر دین خدا می‌داند، (بقره / ۱۹۳؛ انفال / ۳۹) نه صرف وجود عقیده‌ای متفاوت. فتنه از اشدّ مصادیق ظلم به‌شمار می‌آید و مقابله با ظلم واجب است، به‌همین دلیل خدای متعال ظلم کافران را دلیل صدور اذن قتال بیان می‌فرماید. (حج / ۳۹)

از دیدگاه علامه جوادی‌آملی، فتنه کافران که در قرآن به آن اشاره شده، معنایی گسترده دارد و عبارت از این است که: آنان در برابر وحی الهی، سرسختانه موضع گرفتند و پیامبر ﷺ و مؤمنان را استهزا و تحقیر کردند و مردم را به کفر و شرک فراخواندند که نابودکننده دنیا و آخرتشان است. همچنین

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۴۹

عده‌ای را شکنجه کردند و دسته‌ای را به هجرت وادار نمودند؛ مردمان بی‌گناه زیادی را به شهادت رساندند و حتی پیمان آرامش را هم نقض کرده، متعرض جان و مال و ناموس مسلمانان شدند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹ / ۶۱۵؛ ۳۳ / ۲۵۷) این مفهوم جامع فتنه را که بیان‌گر گناهان مشرکان و عامل جنگ است، در سه محور زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. ایستادگی و لجاجت خود کافران در برابر دعوت الهی؛

۲. آلوده‌سازی فضای فکری جامعه؛

۳. تجاوز به حقوق مسلمانان.

آنچه ذکر شد به این معنا است که آنان در دشمنی با اسلام، هیچ حدومرزی را رعایت نمی‌کردند؛ چنان‌که قرآن در وصف آنان می‌فرماید:

لَا يَرْفُقُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلاَ ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ. (توبه / ۱۰)

درباره هیچ فرد باایمانی رعایت خویشاوندی و پیمان را نمی‌کنند؛ و آنها همان تجاوزکارانند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

پس آنان هستند که بر شما تعدی می‌کنند؛ زیرا در باطن، دشمنی و کینه دارند و در ظاهر نیز اکثر آنان در مقام عمل، مانع راه خدا می‌شوند و در مورد مسلمانان، رعایت هیچ خویشاوندی و پیمانی نمی‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۱۵۸)

بنابر این قتل مشرکان مخصوص زمانی بوده که در برابر آن فتنه‌گران، هیچ چاره‌ای جز کشتن باقی‌مانده بود؛ چراکه «آخرالدواء الکی» [آخرین دواء، داغ کردن است] و این قتل برای حفظ حقی مهم‌تر در جامعه بوده. (صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۲ / ۳۲۴) به همین جهت است که قرآن فتنه‌گری آنان در برابر دین را بدتر از قتل عنوان می‌کند؛ زیرا کشتن دشمنان اسلام به هدف بازدارندگی آنان از دشمنی با دین حق بوده است. (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۹۳) چنانچه امروزه نیز در سرتاسر دنیا با تبهکاران بزرگ که به هیچ‌وجه تن به قانون نمی‌دهند و اصرار بر پایمالی حقوق دیگران به نفع خود دارند، همین برخورد می‌شود. پس در اسلام، هیچ‌گاه صرف داشتن عقیده مخالف، موجب جنگ نبوده و نیست.

تاریخ، گواه این حقیقت است که مسلمانان، زندگی مسالمت‌آمیزی با مسیحیان و یهودیان غیرمتجاوز داشتند؛ زیرا پیامبر پس از ورود به مکه با تمام گروه‌ها از جمله اهل کتاب، پیمان عمومی بست و تا زمانی که دست به خیانت و تجاوز از حدود نزدند، با آنان برخورد مسالمت‌آمیزی داشت. تبعید یهودیان بنی‌نظیر

و بنی قینقاع و جنگ با بنی قریظه پس از اقدام آنها به خیانت بود. (ذهبی، ۱۴۱۰: ۲ / ۱۴۵، ۱۴۸ و ۳۰۷) همچنین هریک از مشرکان که دست از دشمنی برمی داشت و اظهار اسلام می کرد، در امان جامعه اسلامی بود و به عنوان یک عضو پذیرفته می شد؛ (عاملی، ۱۴۱۵: ۲۱ / ۳۳۳) درحالی که عده‌ای از آنان هیچ گاه تا آخر عمرشان با عقیده مسلمانان موافق نبودند و به تعبیر فایرستون، با هژمونی اسلام مخالف بودند. از این رو، خداوند مسلمانان را این گونه خطاب نمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَي رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا. (نساء / ۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتب (آسمانی) که پیش از این فرستاده است، ایمان بیاورید کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است.

گرچه اقوال مختلفی ذیل این آیه بیان شده، قول مشهور و درست این است که خطاب آیه، به منافقان بوده و مراد این است «که ای کسانی که به ظاهر، با اقرار به خدا و رسولش ایمان آوردید، در باطن ایمان بیاورید تا ظاهر و باطن شما موافق باشد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۹۲)

خطاب امام علی علیه السلام به معاویه و امثال آن دلیل وجود چنین حقیقتی حتی در جامعه صدر اسلام است:

فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أُمِّسَ أَنَا آمِنًا وَكَفَرْتُمْ وَالْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَفُتِنْتُمْ وَمَا أَسْأَلُكُمْ إِلَّا الْكُرْهًا. (نهج البلاغه، نامه ۶۴)

تفاوت ما و شما در این است که در گذشته ما ایمان آوردیم و شما کفر ورزیدید و امروز ما استقامت نمودیم و شما مبتلا به فتنه شدید و آن کس از شما اسلام آورد، مسلمان نشد مگر از سر اجبار.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام با وجود علم به عقاید این منافقان، هیچ گاه با آنان ایجاد درگیری نکردند، مگر زمانی که خود آنان شروع به فتنه‌گری و دشمنی کردند. حال آنکه اگر عقیده مخالف ملاک جهاد بود، از همان ابتدا، می‌بایست آنان را از بین می‌بردند؛ زیرا آنان نیز مانند مشرکان، هیچ گاه دین اسلام را قبول نداشتند و حتی ظلم‌های این افراد به اسلام، بسیار فراوان‌تر از مشرکان بوده است.

بنابراین اسلام در برابر فرد مشرک یا منافق یا اهل کتابی که دست به فتنه‌انگیزی نزنند، جنگی به‌پا نمی‌کند؛ زیرا تنها عامل جهاد، فتنه است و صرف شرک و نفاق، دلیل اقامه جنگ نیست. هدف اصلی اسلام از مبارزه با مشرکان، نابودی حاکمیت شرک بود نه قتل عام تک‌تک مشرکان؛ زیرا با نابودی این

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۵۱

حاکمیت، فتنه‌های موجود بر ضد مسلمانان و نیز فطرت الهی بشر، ریشه‌کن می‌شود، اما در صورتی که فتنه‌ای وجود نداشته باشد، امنیت کافران نیز محترم است.

علامه جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

پیشوایان سرکش اجازه نمی‌دادند دعوت اسلام به گوش مردم برسد. در این هنگام خدای سبحان جنگیدن با آنان را روا شمرد تا راه بسته، باز شود و صدای اسلام به گوش همگان برسد. هنگام صدور این فرمان، میان کافران و مسلمانان پیمان زندگی مسالمت‌آمیز نبود تا مانع جهاد گردد. اما هنگامی که کافر با مسلمان، زندگی مسالمت‌آمیزی دارد، مسلمانان حق تعرض به او را ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۰ / ۱۱۳)

دو. حد و مرز جهاد

برخلاف ادعای فایرستون که اسلام هیچ حدودمرزی برای جنگ با مخالفان قرار نداده، قرآن، حدود جهاد را بیان نموده است. به تصریح قرآن، رفع فتنه‌گری، حد اصلی و اولیه جنگ است (بقره / ۱۹۳؛ انفال / ۳۹) که شرح آن گذشت. همچنین از آنجا که کشتار و خون‌ریزی خواسته الهی نیست، مشرکان را از چند جهت خاص و عام در امان قرار داد. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۳ / ۲۶۶) حدود ثانویه خاص عبارت‌اند از:

الف) محدودیت زمانی

سه نوع محدودیت زمانی در قرآن ذکر شده است:

۱. ماه‌های حرام (بقره / ۲۱۷) که پیش از اسلام جنگ در آن ممنوع بود و اسلام نیز آن را امضا کرد و جنگ در آن را گناهی بزرگ خواند.
۲. اشهر سیاحت، (توبه / ۲) که از دهم ذی‌حجه تا دهم ربیع‌الثانی بود. خدا این مهلت را برای مشرکان قرار داد تا در کمال امنیت درباره دین تحقیق کنند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۳ / ۲۶۶)
۳. زمان یادشده در پیمان، برای کسانی که به عهدشان پایبند بودند. (توبه / ۴)

ب) محدودیت مکانی

درگیری در مسجدالحرام ممنوع است (البته اگر آنان شروع به جنگ کنند، مسلمانان ملزم به دفاع هستند). (بقره / ۱۹۱)

ج) محدودیت شرایطی

مشرکانی که درخواست پناهندگی سیاسی یا اجتماعی کنند، حتی اگر خارج از حدود پیش‌گفته باشند،

دولت اسلامی باید امنیت آنان را به عهده بگیرد تا موقعیت شنیدن کلام الهی برای آنان فراهم گردد. (توبه / ۶)

افزون بر این موارد خاص، یک محدودیت دیگر نیز به صورت عام در قرآن ذکر شده و آن رعایت انسانیت و عدالت است که از آن به «عدم اعتداء» تعبیر شده است. (بقره / ۱۹۰)

هیچ جنگی در اسلام، بدون شروع دشمنی (اعم از آشکار یا نهان) از طرف مقابل، به پا نمی‌شود و حتی در مقابل دشمن نیز اگر آنان میل به آرامش کنند و دست از دشمنی بردارند، اسلام حکم به آرامش می‌کند. (أنفال / ۶۱) فراتر از این، در میدان نبرد نیز تجاوز از حد عدل، نهی شده است. علامه جوادی‌آملی در مورد حکم عدم اعتداء در آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره / ۱۹۰) و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد»، می‌نویسد:

عدم ذکر متعلق نهی «وَلَا تَعْتَدُوا»، نشان می‌دهد که از هرگونه تجاوز حق و حکم نهی شده است؛ خواه درباره اشخاص باشد یا نحوه قتل دشمن یا قوانین جنگ. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۹ / ۵۷۷)

پیامبر ﷺ هنگام اعزام سپاهیان به جهاد، به آنان این‌گونه توصیه می‌فرمود:

خیانت نکنید؛ هیچ‌گاه بدنی را مثله نکنید؛ هیچ مرد کهن سال و کودک و زنی را نکشید؛ هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اضطراری باشد؛ اگر در راه به مشرکی برخوردید، به او امان دهید تا کلام خدا را بشنود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۲۷)

با وجود تمام این محدودیت‌های خاص و عام، دیگر جایی برای ادعای جنگ بی‌حدومرز در اسلام باقی نمی‌ماند و تکلیف آیاتی که به طور کلی به جهاد امر می‌کنند نیز روشن می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که در علم اصول آمده، اگر دستوری درجایی مطلق و در جای دیگر مقید ذکر شود، باید مطلق را بر مقید حمل کرد؛ پس اگرچه آیاتی هست که حکم جهاد را به صورت مطلق آورده، آیاتی نیز وجود دارد که قیود آن را بیان کرده است. (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۳)

در مورد سیر آیات جهاد که فایرستون از آن به نظریه «تئوری تکاملی جنگ در اسلام» رسیده، باید گفت: سیر پیش‌گفته، امری مقبول و منطقی است و نه تنها با دفاعی بودن جنگ در اسلام منافات ندارد، بلکه در همین راستا بوده؛ زیرا عقل حکم می‌کند که هرگاه انسان توانایی مقابله با دشمن را ندارد، خود را به هلاکت نیندازد، ولی در صورتی که توان دفاع از خود یا دیگری داشته باشد، عقل به دفع ظلم از خود و

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی‌آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۵۳

جامعه حکم می‌کند؛ (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۵ / ۹۶) پس نگرش دفاعی اسلام به مقوله جهاد، ثابت بوده و هیچ‌گاه سیر تکاملی طی نکرده، بلکه این توان مسلمانان برای مقابله با مستکبران و دفاع از مستضعفان بود که تکامل یافت و به بخشی از سنت دفع الهی تبدیل شد (بقره / ۲۵۱) یعنی سنت خدا بر این است که اهل استکبار و انحراف را به دست اهل حق، سرکوب کند تا جلوی پایمال شدن دین خدا و عدالت گرفته شود؛ پس بر مؤمنان واجب است که بساط استکبار و انحراف را برچینند اما تا زمانی که قدرتی بر اصل این وظیفه و یا برخی مراحل آن را نداشته باشند، طبعاً تکلیف ساقط است، چنانچه در تمام واجبات همین‌گونه است.

نقش جهاد در توسعه دین

محور دومی که به روشن شدن ماهیت جهاد کمک می‌کند، بررسی دیدگاه دینی درباره تأثیر جهاد در پذیرش اسلام توسط افراد و گسترش آن در مناطق مختلف است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۱. دیدگاه علامه جوادی‌آملی: یاری دین خدا در برابر دشمنان دین

در بخش پیشین گفته شد که از دیدگاه علامه جوادی‌آملی، فتنه‌گری و دشمنی مشرکان، علت اصلی درگیری مسلمانان با آنان بوده و هدف جهاد در اسلام، رفع ظلم از مستضعفان و تحقق آزادی اجتماعی یا فکری آنان است که به سبب استعمار و تهاجم نظامی یا فرهنگی، سلب شده است.^۱ پس با وجود این، تمام نبردهای پیامبر ﷺ، جنبه دفاعی داشته و هیچ‌یک از آنها، برای کشورگشایی و حکمرانی نبوده است. پیامبر ﷺ به سران قبایل و کشورها نامه می‌نوشت، ولی آنان نامه را پاره می‌کردند یا فرستاده را می‌کشتند و یا به طُرق دیگر، مانع دعوت توحیدی آن حضرت می‌شدند؛ (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۴ / ۵۴۴) بنابراین، پس از آشنایی با جریان جهاد در اسلام، کسی گمان نمی‌کند که دین اسلام با شمشیر پیشرفت کرده است. (همان: ۱۹ / ۵۲۰) این منطق تمام پیامبران بوده که آنان از سران ستم می‌خواستند که بگذارند مردم گفتار آنان را بشنوند؛ چنان که موسی ﷺ، در نخستین سخن خود، از فرعون خواست تا بندگان خدا را به وی واگذارد. (دخان / ۱۸ - ۱۷) انبیای الهی، تنها با سرانی از کفر و شرک نبرد می‌کردند که هم خودشان از دین دور بودند و هم مردم را از آن دور می‌کردند. (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۳۲ / ۴۶۰)

۱. شاید در اینجا، این سؤال مطرح شود که اگر این ملاک باشد، هر دین و آیینی می‌تواند مدعی شود که برای رفع استعمار و تهاجم فرهنگی اقدام به جهاد می‌کند. در اسلام چه خصوصیتی هست که در سایر ادیان و آیین‌ها نیست؟ آیا اگر کشور مسیحی به مسلمانان حمله برد و آن را دفع تهاجم فرهنگی بنامد، کار او مشروع و مقدس است؟ در پاسخ می‌توان گفت جهاد پس از اتمام حجت و اثبات حقانیت اسلام به‌عنوان آخرین مکتب آسمانی که بر مبنای عقل و وحی بنا شده است، صورت می‌گیرد، اما چون ادیان دیگر تحریف شده‌اند نمی‌توانند این حقانیت را برای خود اثبات و برای دیگران اتمام حجت کنند.

علامه جوادی آملی با یادکرد جهاد به عنوان حماسه مقدس، یادآور می‌شود که:

حماسه‌ها به لحاظ آرمان‌هایی که دارند، گاهی مقدس و گاهی نامقدس هستند. حماسه مقدس، آن است که به عدالت، حقیقت، انسانیت و کمال جامعه بشری می‌اندیشد، اما آرمان حماسه نامقدس، کشورگشایی و به‌دست آوردن قدرت ظاهری است. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۸۸)

بنابراین، جهاد اسلامی هیچ‌گاه درصدد دست‌اندازی به حکومت‌ها و حکمرانی جغرافیایی نبوده و نگرش اسلام به جنگ، همواره تحمیلی است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۲ / ۶۳۵) از این رو پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «هیچ‌گاه آرزوی روبرویی با دشمن نکنید و از خداوند عافیت درخواست کنید». (مسلم، بی تا: ۵ / ۱۴۳؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۶: ۱۸ / ۱۷۶)

علامه جوادی آملی، آیه ۳۸ سوره توبه را دستور بسیج عمومی برای دفاع از اسلام می‌خواند و در شرح آن ذکر می‌کند که اگر کافران، خواستار زندگی مسالمت‌آمیز با مسلمانان و به دوراز توطئه‌گری باشند، نه تنها نباید به آنان آزاری رساند، بلکه رفتار براساس عدل و قسط و نیز نیکی به آنان، محبوب خداست؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۴ / ۲۹) چنان که خدای متعال در این باره می‌فرماید:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (ممتحنه / ۸)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

سوره ممتحنه، پس از هجرت و اندکی پیش از فتح مکه نازل شده است، (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴ / ۹) یعنی زمانی که مسلمانان از حالت ضعف و انفعال درآمده و دارای قدرت شده بودند، ولی باین وجود، خدا در مورد افراد غیرمسلمانی که اهل فتنه و تجاوز نبودند، سفارش به نیکی و عدل می‌کند. نتیجه آنکه اسلام، در پی افزایش سلطه جغرافیایی نیست و موافق زندگی مسالمت‌آمیز حتی با کافران است؛ اما اگر کسانی قصد دشمنی با دین کنند، بر مسلمانان واجب است که دین خدا را یاری نمایند؛ چنان که خدای متعال در سوره محمد، پس از فرمان به درهم‌کوبیدن دشمنان در جنگ، (محمد / ۴) مجاهدان را این‌گونه مخاطب می‌سازد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر دین خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند»؛ (محمد / ۷) بنابراین نقش جهاد، یاری دین است که شامل دو عنصر اصلی است؛ یکم جلوگیری از نابودی دین توسط دشمنان و دوم رفع مانع برای ابلاغ پیام و توسعه اختیاری آن.

۲. دیدگاه فایرستون: گسترش اجباری دین و سلطه بر مناطق مختلف

در بحث پیشین، ملاحظه شد که فایرستون در توصیف اسلام، از تعبیری خاص همچون هژمونی اسلام (Firestone, 1999: 89 & 134) یا امپراتوری اسلامی، (Ibid: 5 & 51) استفاده می‌کند که این امر، بیانگر نوع نگاه او به دین اسلام است. برای تشریح و مستند نمودن مطلب، به بخشی از دیدگاه‌های او اشاره می‌شود. وی طبق نظریه خود با عنوان «تئوری تکاملی جنگ»، می‌نویسد:

فرد در نظام پیش از اسلام، به قصد دفاع از خویشان و قبیله خود عازم جنگ می‌شد، ولی در نظام تکاملی جدید، باید عازم جنگ می‌شد تا از ادامه حیات جامعه جدید مؤمنان دفاع کند. (Firestone, 1999: 74) لازم‌ه دفاع از اسلام، حمله به غیرمسلمانان بود که همان خویشان و هم‌قبیله‌ای‌های آنان بودند، کاری که پیش از اسلام حتی به ذهن کسی خطور نمی‌کرد، اما با تشکیل پدیده برادری دینی و امت اسلامی، این اقدام ممکن گردید. (Ibid: 131) به این ترتیب، وابستگی‌های خانوادگی، به وابستگی دینی تبدیل شد و انگیزه‌های قبیله‌ای جنگیدن، جای خود را به مسئولیت‌پذیری ایدئولوژیک داد. (Ibid: 91)

فایرستون معتقد است، پس از این مرحله دفاعی، با تقویت جامعه اسلامی، آنان از قدرت شمشیر برای گسترش اجباری دین استفاده نمودند. او در شرح مفهوم آیه «فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَعِدُّوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ؛ (توبه / ۵) وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید؛ و محاصره کنید و در هر کمینگاه، بر سر راه آنها بنشینید»، می‌نویسد:

این آیه در میان مسلمانان، اغلب به نام «آیه سیف» شناخته می‌شود و همین آیه سیف، موجب برجسته شدن شعار «یا اسلام یا شمشیر» در میان مسلمانان شد. (Firestone, 1999: 89)

درنهایت، نتیجه می‌گیرد که اسلام از طریق جنگ‌های مستمر، دنبال سلطه بر حجاز بوده است: تعدد فرمان‌های قرآن به جهاد^۱ [به‌دلیل فراوانی جنگ‌های اسلام]، باعث شده بود تا جمعیت چشم‌گیری از پیروان پیامبر که روحیه جنگ‌طلبی نداشتند، از فرمان خدا در جهاد سرباز زنند (Firestone, 2002: 2 / 209) و به‌همین جهت، خدا در قرآن آنان را به عذاب تهدید نمود و با اوصافی چون: ترسو، خودخواه و بی‌تعهد، تحقیر کرد. (Firestone, 1999: 67) ماه‌های حرام (که حتی پیش از اسلام نیز جنگ در آن ممنوع بود)، مشکل بزرگی برای اسلام نظامی به‌شمار می‌آمد؛ زیرا مانع دستیابی

۱. فایرستون برای مطلب مذکور، استناد به این آیات کرده است: بقره / ۱۹۰، ۲۱۶ و ۲۴۴؛ نساء / ۷۴ تا ۷۶ و ۸۴؛ انفال / ۳۹؛ توبه / ۱۲۳

آبرقیبه مسلمانان به هدف سلطه بر حجاز می‌شد (Firestone, 1997: 19) اما پس از مدتی، باز به امر کتاب خدا، هرگونه محدودیتی برای حمله به مخالفان (از جمله محدودیت‌های زمانی) برداشته شد. (Firestone, 1996: 109)

۳. نقد دیدگاه فایرستون

علت ایجاد شبهه پیش‌گفته، فقدان جامع‌نگری به مقوله جهاد است. در سال‌های آغازین اسلام، مخالفت‌های شدیدی رخ داد، همچنان که دیگر ادیان آسمانی نیز در ابتدا با چنین مشکلاتی روبه‌رو بودند و انسان‌های زیادی کشته می‌شدند، اما علت منجر شدن این مخالفت‌ها به جنگ‌های فراوان در صدر اسلام را باید در فرهنگ جاهلی حاکم در حجاز جست‌وجو کرد. حجازیان، از طرفی با جنگ و شمشیر خو گرفته بودند و از طرفی نیز دارای حس حمیت و عصبیت بودند که در ظاهر مثبت است، ولی این یکی از شاخصه‌های منفی فرهنگی آنان بود؛ زیرا از نگاه آنان، اطرافیان و خودی‌ها را در حال می‌بایست یاری کرد؛ چه مظلوم باشند و چه ظالم. از همین رو قرآن، از آن به «حَرِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» (فتح / ۲۶)، یاد می‌کند؛ زیرا این غیرت و تعصبشان، بر جهل و عدم تحقیق مبتنی بود. (عاملی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶)

بنابر این در ارزشیابی هر پدیده‌ای از جمله جهاد، نباید تک‌سویه نگریست، بلکه همه جوانب آن را باید بررسی کرد. از منظر علامه جوادی آملی، نگاه ناقص به جنگ‌های صدر اسلام، برای برخی به این پندار انجامید که پیشرفت اسلام بر پایه جنگ و خون‌ریزی بوده، ولی کسی که تاریخ نبردهای مسلمانان را از همه سوازیابی کند، به‌خوبی در می‌یابد که حتی جهادهای ابتدایی نیز تنها دنبال نابودسازی موانع بالندگی فطری بشر بوده است، (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۲ / ۶۵۳) نه اجبار و حکمرانی. از آنجا که فایرستون عمدتاً با تکیه بر قرآن به نتیجه مطلوب خود رسیده، در ادامه، از دو جهت موضوع را در قرآن بررسی می‌کنیم:

یک. گسترش سلطه جغرافیایی

طبق آیه ۲۱۷ سوره بقره، هدف غایی دشمنان از جنگ با مسلمانان، نابودی دین آنان است. همچنین براساس آیه ۱۹۳ این سوره، رفع مانع (فتنه) در برابر دین خدا، هدف غایی جهاد به‌شمار می‌آید. در هیچ آیه‌ای، به گسترش سلطه جغرافیایی اسلام اشاره نشده است؛ زیرا دین، عقیده‌ای حق است که می‌تواند در ذهن انسان‌ها نفوذ کند، بدون نیاز به تصرف آب و خاک آنان. اگر تفکر انسان‌ها اصلاح شود، حکومت‌ها نیز خودبه‌خود به‌دست صالحان آن قوم می‌افتد.

سید قطب، در تفسیر «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيُكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره / ۱۹۳) و با آنها پیکار کنید تا

فتنه باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد»، می‌نویسد:

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی‌آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۵۷

دشمنان حقیقی انسان، کسانی هستند که تلاش می‌کنند مؤمن را از دینش برگردانند و بشریت را از بزرگ‌ترین عنصر خیر محروم کنند. (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۱ / ۱۹۰)

آیت الله معرفت نیز در تفسیر «فَإِنْ أَنْتَهُوا فَلَا عُذْرَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ (بقره / ۱۹۳) پس اگر دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید، زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست»، اظهار می‌دارد:

اگر ستم‌گران به ظلمشان پایان دهند و دست از مانع شدن بین مردم و پروردگارشان بردارند، دیگر جنگی با آنان وجود ندارد؛ زیرا جهاد متوجه ظلم و ظالمان است. (معرفت، ۱۳۸۷: ۵ / ۱۰۲)

پس تنها، دین در دو طرف نبرد در جهاد اسلامی، مورد منازعه است، نه سرزمین. این نکته نیز درخور توجه است که از دیدگاه شیعه، جنگ تنها زمانی مصادق جهاد اسلامی خواهد بود که تحت فرمان پیامبر ﷺ یا جانشینان بر حق او باشد وگرنه مشروعیتی ندارد. بنابر این کشورگشایی‌هایی که در زمان برخی خلفا و بدون اذن امام معصوم صورت گرفت، از دیدگاه ما ارتباطی با ایدئولوژی اسلام ناب در مقوله جنگ ندارد که تفصیل آن در این مقاله نمی‌گنجد. افزون بر اینکه اشکال‌های فایرستون و پاسخ‌های مطرح‌شده در این پژوهش، هر دو از نظر مصادقی متمرکز بر عصر پیامبر و نزول قرآن است.

دو. اجبار بر قبول اسلام

برخلاف ادعای فایرستون در شعار «یا اسلام یا شمشیر»، خدا نه تنها به پیامبر خود امر به اجبار نکرده، بلکه نقطه مقابل آن در قرآن ذکر شده است:

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِد. (ق / ۴۵)

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی؛ پس به وسیله قرآن، کسانی را که از عذاب من می‌ترسند متذکر ساز (وظیفه تو همین است).

شیخ طوسی ذیل این آیه یادآور می‌شود که یکی از معانی درست برای آیه این است که؛ مردم را به پذیرش اسلام مجبور نکن. (طوسی، بی تا: ۹ / ۳۷۷) همچنین در آیات متعددی، بیان شده که پیامبر ﷺ وظیفه‌ای جز ابلاغ دین ندارد. (آل عمران / ۲۰؛ مائده / ۹۲ و ۹۹؛ رعد / ۴۰؛ نحل / ۳۵ و ۸۲؛ نور / ۵۴؛ عنکبوت / ۱۸؛ شوری / ۴۸؛ تغابن / ۱۲) یعنی اجبار بر قبول دین، در اسلام جایی ندارد، چنان که در قرآن به این مطلب تصریح شده است. (بقره / ۲۵۶)

در شرح دیدگاه علامه جوادی‌آملی، ذکر شد که پیامبر ﷺ با کسانی که جهاد برمی‌خواست که مانع

ابلاغ دعوت الهی بودند. وی در شرح آیه ۱۹۳ سوره بقره، یادآور می‌شود که جنگ، به زوال فتنه در برابر دین محدود است و استقرار دین و تمامیت حکومت دینی و نفی هرگونه تفکر ضددینی، مرهون تعلیم، تزکیه، تبلیغ و مانند آن است؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹ / ۶۳۳) بنابراین جهاد، ابزاری برای کشورگشایی و سلطه‌گری و عاملی برای اجبار مردم به قبول اسلام نیست.

البته این نکته قابل توجه است که حساب بت‌پرستی از ادیان توحیدی، جداست و مسئله آزادی مذهبی؛ یعنی ترک اجبار پیروان مذاهب دیگر برای پذیرش اسلام، منحصر به ادیان آسمانی و اهل کتاب است و شامل بت‌پرستی نمی‌شود؛ زیرا بت‌پرستی مذهب و آیین نیست که محترم شمرده شود، بلکه انحطاط و خرافه و بیماری است که به هر حال و به هر قیمت باید ریشه‌کن گردد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۷ / ۲۹۲) زیرا بقاء آن موجب نابودی تمام ادیان توحیدی خواهد شد. بنابراین ریشه‌کنی حاکمیت شرک و بت‌پرستی، از اهداف جهاد است اما اجبار بر پذیرش اسلام نه. چنانچه به گواه تاریخ، هیچ‌گاه اهل کتاب، مجبور به اسلام آوردن نشدند و تنها مکلف به پرداخت جزیه شدند که نوعی مالیات برای زندگی در حکومت اسلامی و بهره‌مند شدن از خدمات آن است.

آنچه با بررسی دقیق و منصفانه سنت پیامبر آشکار می‌شود این است که ایشان هیچ‌گاه به‌دنبال پذیرش اجباری اسلام توسط مردم نبوده و اصالت صلح، مبنای رفتاری ایشان بوده و تنها خواهان رفع موانع رساندن ندای وحی به گوش و جان انسان‌ها بوده است. کلام حضرت در حدیبیه، زمانی که مشرکان مانع از ورود ایشان و یارانشان به مکه برای ادای عمره شدند، فصل الخطابی در مسئله جهاد است که به‌وضوح بیانگر فتنه‌گری دشمنان دین، رسالت دینی پیامبر و هدف آن حضرت از جهاد است:

اف بر قریش! جنگ، آنها را در خود بلعیده است (کنایه از خوی جنگ‌طلبی)، آنان را چه شده که میان من و مردم را خالی نمی‌کنند؛ اگر مردم بر من حمله‌ور شدند، پس قریش به هدف خود رسیده است و اگر خدا مرا برتری بخشد، مردم فوج‌فوج به اسلام روی می‌آورند. به خدا قسم که در راهی که خدا مرا مبعوث کرده، دست از جهاد با قریش برنخواهم داشت. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲ / ۲۰۰)

نتیجه

یافته‌های مقاله پیش‌رو بدین قرارند:

۱. برخلاف نظر فایرستون که جهاد را بدون حدودمرز و عامل آن را مخالفت عقیدتی می‌داند، از دیدگاه علامه جوادی آملی، جهاد در اسلام فقط جنبه دفاعی دارد؛ گاهی دفاع از خویش و گاهی دفاع از دیگر مستضعفان، که در هر دو صورت، شروع فتنه از جانب مستکبران عامل اصلی جنگ است و با رفع

تبیین ماهیت آیات جهاد از دیدگاه تفسیری علامه جوادی آملی و ارزیابی دیدگاه فایرستون □ ۱۵۹

آن، جنگ متوقف می‌شود. افزون بر این، حدود خاصی از نظر زمان، مکان و برخی شرایط در قرآن مشخص شده است. همچنین لزوم رعایت عدالت و انسانیت نیز به صورت عام، محدودیت‌هایی را در میدان جنگ ایجاد می‌کند.

۲. به اعتقاد فایرستون، جهاد عاملی برای اجبار بر قبول اسلام و گسترش سلطه جغرافیایی مسلمانان است، ولی از دیدگاه علامه جوادی آملی، جهاد نقش حمایت و پشتیبانی از دین را دارد و تنها هدف آن، رفع موانعی است که مستکبران برای حیات دین و با ابلاغ آن به مردم ایجاد کرده‌اند و اکراه بر دین و کشورگشایی، هیچ جایگاهی در منطق اسلام ندارد.

بنابراین برخلاف ادعای فایرستون که جهاد را عاملی خشونت‌بار برای رسیدن به اهداف دنیایی مسلمانان می‌داند، جهاد پدیده‌ای الهی و منشأگرفته از رحمت خداست که برای دفاع از مستضعفان و نابودی موانع در راه فطرت توحیدی بشر که در قرآن از آن به فتنه تعبیر شده، تشریح شده و همواره اصلی ثابت در تمام ادیان آسمانی بوده است، زیرا هرگاه منادیان توحید، مردم را به ندای فطری خود فراخواندند، مستکبران با در خطر دیدن منافع خود، در برابر آنها قد علم کردند و به مقابله با عقیده حق برخاستند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مبنای روابط نظام اسلامی با دیگران، اصالت صلح است، مگر اینکه افرادی اقدام به فتنه‌گری و تعدی به حقوق شخصی یا عقیدتی دیگران کنند که در این صورت با آنان مقابله خواهد شد؛ خواه مسلمان باشند یا غیرمسلمان.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، قم، دار القرآن الکریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، تصحیح صبحی صالح، ۱۳۷۹، بوشهر، موعود اسلام.
- صحیفه سجاده، علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۸۴، قم، خردآذین.
- آغازی، عبدالرحمان، ۱۳۹۱، جهاد و میاهوی خاورشناسان، قم، زمزم هدایت.
- ابن‌اثیر، علی بن محمد، ۱۳۸۵ ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
- بلاغی، محمدجواد، ۱۴۲۰ ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، روابط بین‌الملل در اسلام، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، کوثر کربلا، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، اسراء.

۱۶۰ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱۰، تابستان ۹۸، ش ۳۸

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳، حماسه و عرفان، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ ق، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ ق، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
- زمانی، محمد حسن، ۱۳۹۶، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب.
- سخنرانی در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس محبان اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۶ / ۹ / ۲، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری (Leader.ir).
- سید قطب، ابراهیم، ۱۴۲۵ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۱۵ ق، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، بیروت، دار الهادی.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ ق، المصباح، قم، دارالرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، بی تا، الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، جهاد، تهران، صدرا.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۷، التفسیر الأثری الجامع، قم، التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۱۳ ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۶ ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی.

(ب) منابع لاتین

- Ann K. S Lambton, 1970, «A Nineteenth Century View of Jihād», *Studia Islamica*, No. 32.
- Etan Kohlberg, 1976, «The Development of Imami Shi'i Doctrine of Jihad», *Zeitschrift*

- der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, vol. 126.
- Firestone, Reuven, 1996, «Conceptions of Holy war in Biblical and Quranic Tradition», *Journal of Religious Ethics*, No. 1, spring.
 - Firestone, Reuven, 1997, «Disparity and Resolution in the Quranic Teachings on War», *Journal of Near Eastern Studies*, January.
 - Firestone, Reuven, 1999, *JIHAD-The Origin of Holy War in Islam*, New York, Oxford University Press.
 - Firestone, Reuven, 2002, «Fighting», *Encyclopaedia of the Qurān*, Leiden, Brill.
 - Hebrew Union College-Jewish Institute Of Religion huc.edu/

ج) مقاله‌ها

- رضایی‌هفتاد، حسن و علیرضا حیدری، ۱۳۹۵، «نقد آراء فایرستون درباره آیات جهاد»، *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ش ۴، ص ۱۰۸ - ۸۹، قم، انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه.
- عبدالمحمدی، حسین، ۱۳۹۱، «نقدی بر دیدگاه مستشرقان درباره نقش جهاد در گسترش اسلام» (در عرصه پیامبر اکرم ﷺ)، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ش ۷، ص ۷-۲۲، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- قاضی‌زاده، کاظم، محمدعلی مهدوی راد، محمدعلی لسانی و علیرضا حسینی، ۱۴۳۰ ق، «شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال فی الاسلام و اجوبتها القرآنیة»، *دراسات فی العلوم الانسانیة*، ش ۱۶، ص ۱۱۲ - ۹۳، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- نمازی‌زادگان، سعید، ۱۳۸۸، «نقد آراء مستشرقان پیرامون آیات جهاد»، *مشکوٰة*، ش ۱۰۳، ص ۱۱۰ - ۹۴، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

